

برهان صدیقین

روح الله زینلی



پیش‌گفتار:

مبحث اثبات خداوند در فلسفه در بخش ما بعد الطبیعه یا الهیات بمعنی الاخص مطرح می‌گردد. البته لفظ خدا یا اله یا عنوان اثبات خداوند در متون و مطالب فلسفی نیامده اما در حقیقت بحث از اثبات موجودی در قالب عناوینی چون: واجب بالذات، علت نخستین، وجود مستقل و...، به معنای بحث از خداوند است.

برای شناخت خداوند دو راه بصورت کلی بیان شده، ۱- راه دل یا عرفان. ۲- راه عقل یا برهان. در راستای راه دوم براهین عقلی چندی بر اثبات خداوند متعال اقامه شده، از جمله: برهان محرک اول، برهان وجوب و امکان (وجود شناسی)، برهان نظم، برهان وجودی، برهان امکان فقری، برهان حرکت و حدوث، برهان معجزه، برهان تجربه دینی، برهان فطرت، براهین اخلاقی، برهان صدیقین (۲) و... که از این میان برهان صدیقین بدلیل برخورداری از ساختاری نوین و متفاوت با دیگر براهین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، نوشتار حاضر به بیان پیشینه و تقریرات مختلف این برهان می‌پردازد.

پیشینه برهان صدیقین:

با توجه به اینکه برهان صدیقین با تکیه بر واقعیت خارجی وجود به اثبات خداوند می-پردازد، آن را می توان در تألیفات فارابی به عنوان اولین فیلسوف طرح کننده آن ردیابی نمود. پیداست که وی بدون اینکه تقریر یا نمونه‌ای از این برهان ارائه دهد، در طرح مسأله اکتفا نموده، می گوید: «تو می توانی به عالم مخلوقات توجه کنی و از این طریق دریابی که وجود بالذات [واجب بالذات] هست. در طریق اول صعود می کنی [یعنی در سیر فکری خود از مخلوقات که در مرتبه‌ای پایین تر از مرتبه خداوندند به سوی خداوند بالا می روی، و در طریق دوم نزول می کنی [یعنی در سیر فکری خود ابتدا خداوند را می یابی و سپس از خداوند به سوی مخلوقات پایین می آیی].» (۳)

فارابی با در مقابل هم قرار دادن این دو نوع دلیل به فرق این دو روش اشاره می کند که در برهان اول از مخلوق به خالق می رسیم اما در برهان دوم مسأله برعکس است و راه بدون هیچ واسطه‌ای به خالق تعالی ختم می شود. ابن سینا اولین فیلسوفی است که نمونه‌ای از این برهان را ارائه کرده، سبک وی این قابلیت را دارد تا با اندکی تغییر براهین جهانشناختی (۴) دیگر را به برهان صدیقین تحویل برد. شیخ در پایان بیان برهان خویش وجه تمایز این برهان را با دیگر براهین، تکیه بر نفس وجود بدون دخالت دادن چیزی دیگر می داند. (۵)

شیخ اشراق نیز با پذیرش برهان ابن سینا در مطارحات به آن اشاره کرده است. (۶) امام فخر رازی هم در اثبات وجود باری تعالی از این برهان استفاده نموده. (۷) خواجه نصیر الدین طوسی در تجرید الاعتقادات در عبارت کوتاهی با کمک این برهان به اثبات وجود

باری تعالی می‌پردازد «الموجود ان كان واجباً و الا استلزمه، لاستحالة الدور و التسلسل». صدر المتألهین با پذیرش معیار فارابی و ابن سینا و تأیید اعتبار برهان ایشان از آن به عنوان نزدیک-ترین برهان به برهان صدیقین یاد می‌کند و سپس خود با اتکا به مبانی حکمت متعالیه در سبکی جدید برهان صدیقین را تبیین می‌کند. (۸)

البته حکمای پیرو حکمت متعالیه پس از ملا صدرا در تلاش برای کاستن مقدمات طولانی برهان وی، آن را به شیوه‌های دیگری تقریر کرده‌اند، حاج ملا هادی سبزواری در حاشیه بر اسفار و علامه طباطبایی «ره» در بدایة الحکمة یا حذف مقدمه تشکیکیت وجود، به این مهم نایل آمده‌اند، و در نهایت علامه طباطبایی در حواشی خود بر اسفار، برهانی اقامه می‌کند که نه بر اصالت وجود مبتنی است و نه نیازمند اصل تشکیک وجود است.

تعریف برهان صدیقین:

در تعریف برهان صدیقین آمده: برهان صدیقین برهانی است که در آن وجود خداوند با تأمل در وجود محض یا نفس وجود ثابت می‌شود. با صرف نظر از بررسی دقت و صحت حدود این تعریف، به بیان معیار صدیقین بودن آن می‌پردازیم؛ این معیار تکیه بر نفس وجود و بی‌نیازی از بکارگیری واسطه‌های امکانی دیگر است. اما با دقت در بیان‌های مختلف این برهان می‌بینیم که در مقدمات آن از «امکان بالذات» کمک گرفته شده که در وهله اول در تغایر با معیار صدیقین به نظر می‌رسد، اما می‌توانیم چنین پاسخ دهیم: صرف استناد و کمک‌گیری مشکل ایجاد نمی‌کند چرا که این استناد به گونه‌ای است که انکار مخلوقات و ممکنات تأثیری در نتیجه برهان ندارد و برهان در هر صورت وجود خداوند را ثابت می‌کند.

تفاوت برهان وجودی (۹) و برهان صدیقین:

اینجا ممکن است این سؤال به ذهن بیاید که آیا برهان صدیقین همان برهان وجودی است؟ و اگر چنین نیست فرقیان چیست؟ پسندیده است قبل از پاسخ، برهان وجودی به

اختصار بیان گردد: برهان وجودی در حقیقت اثبات وجود خداوند از طریق مفهوم است بدون اینکه از وجود چیزی دیگر استفاده شود. مشهورترین بیان آن به برهان وجودی آنسلم (۱۰) معروف شده، سنت آنسلم در قرن یازدهم میلادی برهانی را مبتنی بر مفهوم و تصویری که از خداوند در ذهن انسان وجود دارد مطرح ساخت، وی ابتداً به تعریف خداوند می‌پردازد و خداوند را به موجودی که بزرگ‌تر از آن را نمی‌توان اندیشه و تصور نمود، تعریف می‌کند و سپس می‌افزاید که این موجود کامل‌ترین وجود است که کامل‌تر از آن را نمی‌توان فرض کرد. صورت استدلال به این نحو است: اگر خداوند موجود نباشد، بدلیل عدم برخورداری از کمال (وجود) دیگر موجود کامل‌تر نخواهد بود و موجودات دیگر از او کامل‌تر خواهند بود، در حالی که این خلاف فرض است زیرا فرض این بود که ما می‌توانیم موجودی را تصور کنیم که از او کامل‌تر وجود ندارد (که همین موجود را خدا نام می‌نهیم)، اما اکنون با عدم وجودش دیگر کامل‌ترین نخواهد بود. در حقیقت با استفاده از روش خلف چنین استدلالی صورت می‌گیرد. حال در پاسخ می‌گوییم: این دو برهان از دو جنبه مهم با یکدیگر متفاوتند. اول: برهان وجودی بر مفهوم وجود مبتنی است، در حالیکه وجود در برهان صدیقین بمعنای نفس وجود خارجی است نه مفهوم آن. دوم: در برهان وجودی برای اثبات نتیجه از نقیض آن استفاده می‌شد. در حالیکه در برهان صدیقین چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد و فرض وجود به تنهایی کفایت در اثبات نتیجه می‌کند. بگونه‌ای که حتی با فرض انکار وجود تمام ممکنات قادر است وجود خداوند را ثابت کند. در حقیقت برهان صدیقین مبتنی بر واقعیت مطلق است نه واقعیت خاص.

تقریرهای برهان صدیقین:

۱ - تقریر ابن سینا: براین صدیقینی که به سبک ابن سینا ارائه می‌شوند از اوصافی ترکیبی که هم برای خداوند بکار می‌روند و هم مخلوقات، برخوردارند. اوصافی همچون: معلول یا غیر معلول، مستقل یا وابسته و... که یک وصف مخصوص فقط خداوند است و یک وصف

مخصوص فقط مخلوقات. در حقیقت این براهین در سه مرحله تبیین می‌شوند. اول: ۱ - شینی مانند «الف» موجود است. ۲ - هر موجودی یا واجب بالذات است یا ممکن بالذات. ۳ - «الف» یا واجب بالذات است یا ممکن بالذات؛ دوم: اگر ممکن بالذات موجود باشد واجب بالذات هم موجود است؛ سوم: ۱ - «الف» واجب بالذات است پس واجب بالذات موجود است. ۲ - «الف» ممکن بالذات است، پس ممکن بالذات موجود است، واجب بالذات موجود است، نتیجه: واجب بالذات موجود است.

تفاوت برهان صدیقین ابن سینا با برهان جهان‌شناختی (۱۱) (امکان و وجوب):

مقدمات بکار رفته در برهان ابن سینا همان مقدمات برهان امکان و وجوبند و تنها فرقی در یک مقدمه است و آن مقدمه اول است. در برهان صدیقین سینوی مقدمه اول «شینی موجود است.» می‌باشد که در حقیقت به این معنا است که: واجب بالذات یا ممکن بالذات موجودند. اما در برهان امکان و وجوب این مقدمه: «ممکن بالذاتی موجود است.» می‌باشد. که فقط شامل موجودات ممکن (غیر خدا) می‌شود. علاوه بر استقلالی که در برهان صدیقین به دلیل ابتدای بر مطلق وجود و بی‌نیازی از ممکنات یافت می‌شود، بدیهی بودن مقدمه در برهان صدیقین ارزش معرفت‌شناختی آن را نسبت به برهان امکان و وجوب که مقدمه‌اش حداقل بدیهی ثانوی است. دو چندان می‌سازد.

۲ - تقریر صدر المتألهین (متوفی ۱۰۵۰):

وجود حقیقتی عینی است و در متن خارج تحقق دارد، واحد است و تباین ندارد و بسیط است و جزء ندارد یا به عبارتی جزء چیزی نیست، بین افراد وجود اختلافی ذاتی وجود ندارد و اگر ما مراتب مختلفی برای وجود برمی‌شماریم، در واقع یک حقیقت است و این تفاوت‌ها به کمال و نقص یا به شدت و ضعف است و یا این تغایر و اختلاف به خاطر امور زایدی است که در افراد یک مرتبه وجود دارد مانند افراد یک ماهیت نوعی. نهایت و غایت کمال

هستی آن چیزی است که از آن تمام‌تر یافت نمی‌شود، در حقیقت این بالاترین مرتبه وجود است که بالاتر از آن نیست و این همان وجودی است که متعلق به غیرش نیست، یعنی در هیچ امری به غیر خود وابسته نیست و تمام‌تر (کاملتر) از این وجود تصور نمی‌شود. چرا که هر موجود ناقص بخاطر تعلقش به غیر ناقص است و در تمامیتش وابسته به آن غیر است، (نیز) ثابت شد که تمام بر ناقص، فعل بر قوه، وجود بر عدم و... تقدم دارد، همچنین بیان شد که وجود تمام و کامل همان حقیقت شیئی است به علاوه چیز دیگری، در حقیقت این افاضه عین همین وجود است زیرا فرض این بود که این وجود بسیط است، پس وجود یا از غیرش بی‌نیاز است و یا ذاتاً به غیر نیازمند است، قسمت اول (حقیقت بی‌نیاز) همان واجب الوجود است که صرف الوجود است و قسم دوم غیر واجب تعالی است مانند: افعال و آثار واجب. غیر واجب قوام و استقلال ندارد و وجودشان تنها وابسته به واجب است. چرا که گفتیم حقیقت وجود از هر گونه نقصی به دور است. و اگر موجودی ناقص باشد به خاطر معلولیتش است چرا که معلول عین ربط به علت است و در درجه هستی همپایه علت نیست و اگر وجودی نیازمند به جاعل و فاعل نباشد هیچگونه نقصی در آن تصور نمی‌شود چرا که حقیقت وجود بسیط و صرف است و هیچ حدی ندارد و تعینی جز فعلیت و حصول ندارد و الا مرکب از وجود و عدم می‌شد و یا دارای ماهیتی غیر از موجودات خواهد بود و در مباحث پیشین گفتیم که اگر وجود معلول باشد مرکب از وجود یا عدم می‌شد. و یا دارای ماهیتی غیر از موجودات خواهد بود و در مباحث پیشین گفتیم که اگر وجود معلول باشد ذاتش مجعول به جعل بسیط بوده و ذاتاً نیازمند به جاعل خواهد بود در حالیکه آن وجود در گوهر ذاتش جز پیوند به واجب و جاعل چیزی نیست. پس ثابت شد که وجود یا تام الحقیقه و دارای هویت واجب و ضروری است و یا ذاتاً در گوهر ذاتش متعلق و وابسته به آن هویت واجب می‌باشد و بر اساس هر کدام از این دو قسم ثابت می‌شود که وجود واجب، مستقل و بی‌نیاز از غیر خود است و این همان نتیجه مطلوب است. (۱۲)

۳ - تقریر محقق سبزواری:

کوتاه‌ترین تقریر را وی در منظومه خود چنین بیان نموده‌اند: «اذ الوجود کان واجباً فهو و مع الامکان قد استلزمه» (۱۳)

توضیح: حقیقت وجود یا واجب است و یا آنکه مستلزم واجب می‌باشد، بنابراین واجب الوجود بالذات در خارج تحقق دارد و این همان نتیجه مورد نظر ماست. وی در توضیح این بیت دو بیان را متذکر می‌شود: بیان اول که بر صرافت و یگانگی حقیقت وجود مبتنی است و از طریق خلف به اثبات آن می‌پردازد. و بیان دوم با تکیه بر حقیقت به عنوان حقیقتی دارای مراتب از راه ابطال دور و تسلسل به این مهم دست می‌یازد.

بیان اول: مقصود از حقیقت وجود همان حقیقت صرف و خالص وجود می‌باشد. یعنی حقیقت اصلی که بنابر فرض یگانه است. حالا این حقیقت صرف اگر واجب باشد مطلوب ثابت است اما اگر واجب نباشد می‌بایست وجودی دیگر به این حقیقت صرف تقوم بخشد که در این صورت دیگر آن حقیقت صرف و یگانه نخواهد بود و این خلاف فرض است.

بیان دوم: حقیقت وجود دارای مراتبی است حال اگر مرتبه مورد نظر مرتبه وجوبی یا واجب الوجود باشد. مطلوب ثابت است و الا می‌بایست مرتبه‌ای دیگر را چنین فرض کرد، و به همین صورت اگر به مرتبه واجبی ختم نشود به دور و تسلسل گرفتار می‌آییم که هر دو باطلند. (۱۴)

تقریر دیگری از محقق سبزواری: وی در تعلیقه بر اسفار (۱۵) چنین می‌گویند: حقیقت وجود که اصل واقعیت است حقیقتی مرسل (مطلق و بدون قید) است که هرگز عدم در آن راه ندارد چرا که دو عدم دو نقیضند و متناقضان در تقابل با یکدیگرند و هیچ مقابلی طرف مقابله را نمی‌پذیرد و با هم جمع نمی‌شوند، آن حقیقت مرسل واجب الوجود است و این همان نتیجه مطلوب ماست. (۱۶)

برهان صدیقین در بیان علامه طباطبائی:

«واقعیت هستی که در ثبوت وی شک نداریم هرگز نفی نمی‌پذیرد و نابودی بر نمی‌دارد. به عبارت دیگر: واقعیت هستی بی‌هیچ قید شرطی واقعیت هستی است و با هیچ قید و شرطی لا واقعیت نمی‌شود و چون جهان گذران و هر جزء از جهان نفی را می‌پذیرد پس عین همان واقعیت نفی ناپذیر نیست.» (۱۷)

خلاصهٔ تقریر استاد جوادی آملی از برهان صدیقین:

استاد جوادی آملی در شرح بر اسفار اربعه در این رابطه می‌نویسد: «بر طبق اصالت وجود چون هستی اصیل است و چون واحد است نه متباین و چون وحدتش تشکیکی است نه وحدت شخصی و چون بسیط است و کثرتش به وحدت بر می‌گردد. یعنی تمام ما به الامتیازها به عین هستی بر می‌گردد، که در حقیقت همان تشکیک است. پس می‌گوییم: هستی هر موجودی که در خارج است یا واجب است یا به واجب متکی است. اگر آن موجود هستی محض و اعلی‌المراتب بود و هیچ نقصی در وی راه نداشت یعنی به غیر متکی نبود، پس واجب است و اگر هستی محض نبود و ناقص بود، پس ذاتاً به هستی محض تکیه می‌کند.» (۱۸)

منابع و مؤاخذ:

demonstration of truthfulness. (۱)

(۲) برای مطالعه بیشتر ر.ک. به: الف) فلسفه دین، محمد حسین زاده ب) بررسی ادله اثبات وجود خدا - توحید ناب - آیت الله سید حسین شمس ج) خدا در فلسفه، برهان‌های فلسفی اثبات وجود باری - ترجمه بهاءالدین خرمشاهی.

(۳) فارابی، نصوص الحکم.

comological arguments. (۴)

(۵) التنبیهاث والاشارات، ج ۳، صص ۲۵ و ۲۶ و ۲۸.

(۶) المشارع والمطارحات، مجموعة مصنفات شیخ اشراق، ج ۱، صص ۳۸۶ و ۳۸۷.

(۷) المباحث المشرقیه، ج ۲، ص ۴۴۸.

(۸) اسفار اربعه، ملا صدرا، ج ۶، ص ۲۶ - شواهد الربوبیه صص ۳۵ و ۳۶ و ۴۶.

the ontological argument. (۹)

(۱۰) خدا در فلسفه، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، ص ۴۳.

comologic proof. (۱۱)

(۱۲) اسفار، ج ۶، صص ۱۴-۱۶ و نیز نهاية الحکمة.

(۱۳) شرح منظومه.

(۱۴) شرح نهاية الحکمة، علی شیروانی، گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

(۱۵) اسفار، ج ۶، ص ۱۶.

(۱۶) نهاية الحکمة، علامه طباطبائی، رتال جامع علوم انسانی

(۱۷) اصول فلسفه و روش رئالیسم، علامه طباطبائی، ج ۵، ص ۱۱۶، نیز ر.ک.: تبیین براهین اثبات خدای تعالی، آیت

الله جوادی آملی.

- (۱۸) ریحق مختوم، شرح حکمت متعالیه، عبدالله جوادی عاملی، بخش یکم از ج ۶، صص ۱۲۶ و ۱۲۷.
- (۱۹) اثبات خدا از روش اصل موضوعی، عبدالرسول عبودیت.
- (۲۰) فلسفه دین (براهین اثبات وجود خدا)، آیت الله جوادی آملی.
- (۲۱) نقد برهان ناپذیری خداوند، عسکری سلیمانی امیری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی